

# مختصر آیین دادرسی کیفری

تالیف: بیک فری

مؤسسه فرهنگی طرح نوین اندیشه

[www.tnovin.com](http://www.tnovin.com)



### بخش اول: کلیات آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر دادرسی منصفانه

فصل اول: کلیات.....	۱۵
مبحث اول: تعریف آیین دادرسی کیفری.....	۱۵
مبحث دوم: مراحل آیین دادرسی کیفری.....	۱۶
مبحث سوم: رابطه آیین دادرسی کیفری با آیین دادرسی مدنی.....	۱۸
مبحث چهارم: خصوصیات قوانین دادرسی کیفری.....	۱۸
مبحث پنجم: نظامهای دادرسی کیفری و تحولات آنها.....	۲۰
مبحث ششم: تحولات آیین دادرسی کیفری در ایران.....	۳۲
مبحث هفتم: منابع آیین دادرسی کیفری.....	۳۳
فصل دوم: اصول حاکم بر دادرسی منصفانه.....	۳۶

### بخش دوم: دعاوی ناشی از جرم

فصل اول: دعاوی عمومی.....	۴۳
مبحث اول: جنبه‌های چندگانه جرم.....	۴۳
مبحث دوم: قاعده قانونی بودن (الزامی بودن) تعقیب.....	۴۴
مبحث سوم: قاعده مقتضی بودن (متناسب بودن) تعقیب.....	۴۵
مبحث چهارم: بایگانی کردن پرونده.....	۴۹
مبحث پنجم: نهاد اقامه کننده دعاوی عمومی.....	۵۰
مبحث ششم: انواع دادرسی، تشکیلات و وظایف آنها.....	۵۵
مبحث هفتم: جهات قانونی شروع به تعقیب.....	۶۷
فصل دوم: موانع تعقیب و علل سقوط دعاوی عمومی.....	۸۷
مبحث اول: موانع تعقیب دعاوی عمومی.....	۸۷
مبحث دوم: علل سقوط دعاوی عمومی.....	۱۱۲
فصل سوم: دعاوی خصوصی.....	۱۳۰
مبحث اول: مفهوم دعاوی خصوصی.....	۱۳۰
مبحث دوم: انواع ضرر و زیان مورد مطالبه.....	۱۳۰
مبحث سوم: شیوه‌های طرح دعاوی خصوصی.....	۱۳۳
مبحث چهارم: شرایط طرح دعاوی خصوصی.....	۱۳۵

### بخش سوم: تحقیقات مقدماتی

فصل اول: جمع آوری دلایل.....	۱۴۱
مبحث اول: معنا و مفهوم تحقیقات مقدماتی.....	۱۴۱

۱۴۲.....	مبحث دوم: اصول حاکم بر تحقیقات مقدماتی.....
۱۴۳.....	مبحث سوم: ویژگیهای تحقیقات مقدماتی.....
۱۴۷.....	مبحث چهارم: مقامات انجام دهنده تحقیقات مقدماتی.....
۱۴۸.....	مبحث پنجم: تحقیق در جرایم منافی عفت.....
۱۵۰.....	مبحث ششم: تحقیقات مقدماتی جرایم اطفال.....
۱۵۱.....	مبحث هفتم: جهات قانونی برای تحقیقات شروع بازپرس.....
۱۵۲.....	مبحث هشتم: بازجویی از شاکی.....
۱۵۳.....	مبحث نهم: بازجویی از شهود و مطلعین.....
۱۵۶.....	مبحث دهم: بازجویی از متهم.....
۱۶۶.....	مبحث یازدهم: تفتیش و بازرسی اماکن و منازل.....
۱۷۴.....	مبحث دوازدهم: تفتیش و توقیف داده ها یا سامانه های رایانه ای و مخابراتی.....
۱۷۵.....	مبحث سیزدهم: معاینه و تحقیق محلی.....
۱۷۷.....	مبحث چهاردهم: جلب نظر کارشناس.....
۱۸۰.....	مبحث پانزدهم: نیابت قضایی.....
۱۸۳.....	فصل دوم: جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم.....
۱۸۳.....	مبحث اول: فلسفه صدور قرار تامین کیفری.....
۱۸۳.....	مبحث دوم: ضوابط حاکم بر انتخاب تامین.....
۱۸۴.....	مبحث سوم: انواع قرارهای تامین کیفری.....
۱۹۰.....	مبحث چهارم: تخفیف و تشدید تامین.....
۱۹۲.....	مبحث پنجم: مدت اعتبار قرارهای تامین.....
۱۹۴.....	مبحث ششم: ضمانت اجرای قرارهای تامین.....
۱۹۸.....	مبحث هفتم: بازداشت موقت.....
۲۰۷.....	مبحث هشتم: قرارهای نظارت قضایی.....
۲۱۰.....	فصل سوم: اظهارنظر در خصوص توجه یا عدم توجه اتهام به متهم.....
۲۱۰.....	مبحث اول: انواع قرارهای نهایی.....
۲۱۴.....	مبحث دوم: قرارهای قابل اعتراض بازپرس.....
۲۱۶.....	مبحث سوم: حدوث اختلاف بین بازپرس و دادستان و چگونگی حل آن.....

مبحث چهارم: کیفرخواست..... ۲۱۷

### **بخش چهارم: صلاحیت کیفری و مراجع رسیدگی**

فصل اول: صلاحیت کیفری و انواع آن..... ۲۲۳

مبحث اول: تعریف صلاحیت کیفری..... ۲۲۳

مبحث دوم: انواع صلاحیت کیفری..... ۲۲۴

مبحث سوم: استثنائات وارد بر قاعده صلاحیت محلی..... ۲۳۱

مبحث چهارم: اختلاف در صلاحیت و چگونگی حل آن..... ۲۳۵

فصل دوم: مراجع رسیدگی..... ۲۳۸

مبحث اول: دادگاههای کیفری..... ۲۳۸

مبحث دوم: دادگاههای عمومی..... ۲۳۸

مبحث سوم: دادگاههای اختصاصی..... ۲۴۲

مبحث چهارم: مراجع شبه قضایی..... ۲۵۲

### **بخش پنجم: رسیدگی و صدور رای**

فصل اول: اصول حاکم بر رسیدگی دادگاه..... ۲۵۹

مبحث اول: اصل بی طرفی..... ۲۵۹

مبحث دوم: رد دادرسان و قضات تحقیق..... ۲۵۹

مبحث سوم: اصل علنی بودن..... ۲۶۲

مبحث چهارم: اصل ترافعی بودن..... ۲۶۴

فصل دوم: رسیدگی و صدور رای..... ۲۶۹

مبحث اول: مقررات مشترک حاکم بر رسیدگیهای کیفری..... ۲۶۹

مبحث دوم: رسیدگی در دادگاه کیفری ۲، دادگاه انقلاب با سیستم وحدت قاضی و

دادگاه بخش..... ۲۷۵

مبحث سوم: رسیدگی در دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب با تعدد قاضی..... ۲۷۵

مبحث چهارم: ترتیبات رسیدگی و صدور رای در دادگاه اطفال و نوجوانان..... ۲۷۸

### **بخش ششم: راههای شکایت از احکام**

فصل اول: راههای عادی شکایت از احکام..... ۲۸۳

مبحث اول: واخواهی..... ۲۸۳

مبحث دوم: تجدید نظر خواهی..... ۲۸۵

مبحث سوم: مراجع تجدیدنظر..... ۲۸۷

مبحث چهارم: اصحاب دعوا و مهلت تجدید نظر..... ۲۸۸

مبحث پنجم: اسقاط حق تجدیدنظر خواهی..... ۲۹۰

مبحث ششم: استرداد تقاضای تجدیدنظر.....	۲۹۱
مبحث هفتم: جهات تجدیدنظر.....	۲۹۱
مبحث هشتم: آثار تجدیدنظر خواهی.....	۲۹۲
مبحث نهم: آیین دادرسی تجدیدنظر و صدور رای.....	۲۹۳
مبحث دهم: فرجام خواهی.....	۲۹۸
مبحث یازدهم: رای وحدت رویه.....	۳۰۱
فصل دوم: راههای فوق العاده شکایت از احکام.....	۳۰۲
مبحث اول: اعاده دادرسی از طریق دیوان عالی کشور ( طریق معمول اعاده دادرسی).....	۳۰۲
مبحث دوم: اعاده دادرسی از طریق رییس قوه قضائیه.....	۳۰۷
<b>بخش هفتم: اجرای احکام کیفری و هزینه دادرسی</b>	
فصل اول: اجرای احکام کیفری.....	۳۱۳
مبحث اول: احکام لازم الاجرا.....	۳۱۳
مبحث دوم: مراجع مجری حکم.....	۳۱۴
مبحث سوم: چگونگی اجرای احکام کیفری.....	۳۱۵
مبحث چهارم: اجرای مجازات حبس.....	۳۱۸
مبحث پنجم: اجرای محکومیت‌های مالی.....	۳۱۹
مبحث ششم: اجرای سایر احکام کیفری.....	۳۲۱
مبحث هفتم: اجرای قرارهای تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه های الکترونیکی.....	۳۲۲
فصل دوم: هزینه دادرسی.....	۳۲۳

بخش چهارم

# صلاحیت کیفری و مراجع رسیدگی





با پایان یافتن مرحله تحقیقات مقدماتی و متعاقب صدور کیفرخواست و در برخی موارد بدون آن (مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می شود)، رسیدگی کیفری وارد مرحله دوم خود شده و در این مرحله است که بحث صلاحیت کیفری و مراجع دارای صلاحیت مطرح می شود.

به طور کلی در نظام دادرسی کیفری ایران مطابق اصل ۱۵۹ ق.ا. (دادگستری، مرجع رسمی تظلمات است) بنابراین، اصل بر این است که رسیدگی به کلیه دعاوی اعم از حقوقی و کیفری در صلاحیت دادگاه‌های دادگستری است مگر قانون صراحتاً استثناء کرده باشد.

مسأله صلاحیت مرجع رسیدگی کننده موضوع مهمی است که دادستان می‌بایست در هنگام ارسال کیفرخواست و تقاضای مجازات متهم، همچنین مرجع رسیدگی به هنگام بررسی پرونده و صدور حکم، آن را رعایت کنند. البته رعایت قواعد صلاحیت فقط برای دادرسی و دادگاه الزامی نیست و کلیه مراجع دخیل در جریان دادرسی کیفری اعم از قضایی و شبه قضایی مکلف به رعایت قواعد صلاحیت هستند.

در این بخش قواعد کلی مربوط به صلاحیت کیفری را در یک فصل و مراجع کیفری رسیدگی کننده به جرایم را در فصلی دیگر بررسی می کنیم.

### فصل اول: صلاحیت کیفری و انواع آن

برای درکی بهتر از قواعد عمومی ناظر بر صلاحیت مراجع رسیدگی کیفری ضروری است تا ابتدا صلاحیت تعریف شده و انواع آن و استثناءهای آن تبیین شده، همچنین شیوه‌های حل اختلاف و تعارض در صلاحیت مطالعه شود.

#### مبحث اول: تعریف صلاحیت کیفری

صلاحیت کیفری عبارت است توانایی، شایستگی و تکلیف قانونی مرجع کیفری در رسیدگی به دعوی که به او واگذار شده است. بنابراین در مفهوم صلاحیت علاوه بر توانایی، نوعی الزام و تکلیف قانونی هم نهفته است یعنی مرجع کیفری در صورت داشتن صلاحیت مکلف به رسیدگی به دعوی است که به او واگذار شده است.

### ۴۱۳- ویژگی‌های صلاحیت کیفری

- ۱- صلاحیت کیفری فقط و فقط به موجب قانون مشخص می شود و جز به موجب قانون، نمی توان برای یک مرجع صلاحیت مشخص کرد یا آن را تغییر داد.<sup>۱</sup>
- ۲- هیچ مرجعی به جز مراجع قضایی، صلاحیت رسیدگی به اتهام وارده به اشخاص را ندارد.
- ۳- قواعد صلاحیت کیفری جزء قواعد آمره و مربوط به نظم عمومی است و اشخاص حق تراضی بر خلاف آن را ندارند.
- ۴- ایراد به عدم صلاحیت در تمامی مراحل رسیدگی اعم از بدوی، تجدیدنظر و اعاده دادرسی پذیرفته است.

۱- در رویه عملی دیده می شود که رییس قوه قضاییه با دادن ابلاغ ویژه به برخی از قضات دادگاه انقلاب، اجازه رسیدگی به جرایمی را که در صلاحیت دادگاه عمومی نیز هستند داده است که این عمل خلاف قواعد صلاحیت است، زیرا صلاحیت به موجب قانون به دادگاه اعطاء می شود و نه به شخص.

۵- تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه نسبت به دعوی که به آن ارجاع شده است با همان دادگاه است (ماده ۲۶ ق.آ.د.م.) و اگر دادگاهی خود را صالح بداند وارد رسیدگی شده و احتیاج به صدور قرار مستقلى نیست، بر عکس تصمیم نسبت به عدم صلاحیت همیشه باید به موجب قرار مستقل و جدا از ماهیت دعوا انجام شود. بند (الف) ماده ۳۴۰ ق.آ.د.ک در این مورد مقرر داشته است: چنانچه دادگاه خود را صالح به رسیدگی نداند، قرار عدم صلاحیت صادر می کند. همچنین در بند (ب) ماده ۳۸۹ آمده است «هرگاه موضوع، خارج از صلاحیت دادگاه باشد، قرار عدم صلاحیت صادر می کند».

۶- با توجه به ماده ۳۹۰ ق.آ.د.ک که فقط به دادستان حق اعتراض به قرار عدم صلاحیت را داده است، باید گفت که طرفین دعوا حق اعتراض به قرار عدم صلاحیت را ندارند.

۷- عدم رعایت قواعد صلاحیت موجب نقض حکم در مراجع بالاتر است. به این ترتیب که تصمیمات صادره از سوی دادگاهی که به طور ذاتی و محلی غیر صالح است، در هر صورت نقض می شود. بند (پ) ماده ۴۵۰ ق.آ.د.ک. مقرر داشته است «هرگاه رأی توسط دادگاهی که صلاحیت ذاتی یا محلی ندارد صادر شود، دادگاه تجدیدنظر استان، رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال و مراتب را به دادگاه صادرکننده رأی اعلام می کند.» همچنین شماره ۳ بند (ب) ماده ۴۶۹ این قانون مقرر داشته «اگر رأی به علت عدم صلاحیت ذاتی دادگاه نقض شود، پرونده به مرجعی که دیوان عالی کشور، صالح تشخیص می دهد، ارسال می شود و مرجع مذکور مکلف به رسیدگی است».

### مبحث دوم: انواع صلاحیت کیفری

صلاحیت کیفری بر سه قسم است؛ ذاتی، محلی و شخصی.

#### ۴۱۴- صلاحیت ذاتی

صلاحیت ذاتی یعنی تعیین صنف، نوع و درجه دادگاه.

تعیین صنف یعنی مرجع رسیدگی کننده از مراجع دادگستری است یا غیر دادگستری و اگر از مراجع دادگستری است حقوقی است یا کیفری است یا اداری.

تعیین نوع یعنی دادگاه عمومی است یا اختصاصی و تعیین درجه یعنی دادگاه از مراجع بدوی است یا تجدیدنظر. در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۲۴۹ مقرر داشته بود «صلاحیت مراجع قضایی دادگستری نسبت به مراجع غیر دادگستری و صلاحیت دادگاههای عمومی نسبت به دادگاههای انقلاب و دادگاههای نظامی، همچنین صلاحیت دادگاه بدوی نسبت به مراجع تجدیدنظر از جمله صلاحیتهای ذاتی آنان است». در قانون جدید معادل این تبصره وجود ندارد اما مفاد این تبصره همچنان معتبر است. در حقیقت تبصره مورد اشاره تمامی موارد تعریف صلاحیت ذاتی را در خود جای داده است. آن قسمت از تبصره که اشاره به صلاحیت مراجع دادگستری نسبت به غیر دادگستری است اشاره به صنف مرجع رسیدگی کننده دارد، آن بر نوع مرجع کیفری است و نهایتاً قسمت آخر تبصره نیز که اشاره به صلاحیت دادگاههای پایین تر نسبت به دادگاههای بالاتر می کند در خصوص درجه مرجع رسیدگی کننده است.

نکته دیگر این که در تبصره یاد شده قانونگذار به درستی صلاحیت دادگاه پایین تر نسبت به آن چه در صلاحیت دادگاه بالاتر است را از مصادیق عدم صلاحیت ذاتی دانسته ولی اشاره ای به صلاحیت دادگاه بالاتر نسبت به آن

چه که در صلاحیت دادگاه پایین تر است نکرده است، زیرا عدم صلاحیت دادگاه بالاتر نسبت به اموری که در صلاحیت دادگاه پایین تر است ذاتی نیست و دادگاه بالاتر حق دارد به آن چه در صلاحیت دادگاه پایین تر است رسیدگی کند، امری که دیوان عالی کشور نیز بعداً در رای وحدت رویه شماره ۷۰۹ بر آن صحنه گذاشت و مقرر نمود که هرگاه دادگاه کیفری استان در حین رسیدگی متوجه شود که جرم در صلاحیت دادگاه عمومی است، حق صدور قرار عدم صلاحیت را ندارد و مکلف به ادامه رسیدگی و صدور رای است.

در حال حاضر نیز قانونگذار همین موضع را در خصوص جرایمی که در صلاحیت دادگاه کیفری یک و دو است، پذیرفته است. تبصره ۲ ماده ۳۱۴ ق.آ.د.ک در این خصوص تصریح می کند که «چنانچه جرمی به اعتبار یکی از بندهای ماده (۳۰۲) این قانون در دادگاه کیفری یک مطرح گردد و دادگاه پس از رسیدگی و تحقیقات کافی و ختم دادرسی تشخیص دهد عمل ارتكابی عنوان مجرمانه دیگری دارد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری دو است، دادگاه کیفری یک به این جرم رسیدگی و حکم مقتضی صادر می نماید». با توجه به این ماده اگر دادگاه کیفری یک پس از شروع به رسیدگی متوجه شود که جرم در صلاحیت دادگاه کیفری دو است حق صدور قرار عدم صلاحیت را ندارد و مکلف است به رسیدگی ادامه داده و رای مقتضی را صادر نماید.

#### ۴۱۵- صلاحیت محلی

به طور کلی، صلاحیتی را که با توجه به محل ارتكاب جرم و بر مبنای اعتبار محل استقرار مرجع (حوزه) قضایی و بر مبنای قلمرو مکانی تعیین گردد، صلاحیت محلی گویند. به عبارت دیگر صلاحیت محلی یعنی از بین دادگاههایی که صلاحیت ذاتی دارند کدام یک باید به جرم رسیدگی کند. در ایران طبق ماده ۳۱۰ ق.آ.د.ک اصل بر صلاحیت دادسرا و دادگاه محل وقوع جرم است. ماده ۳۱۰ ق.آ.د.ک در این مورد مقرر می دارد «متهم در دادگاهی محاکمه می شود که جرم در حوزه آن واقع شود...». با وجود این که ماده ۳۱۰ صراحتاً دادگاه محل وقوع جرم را صالح به رسیدگی می داند اما با این وجود تعیین محل وقوع جرم همیشه آسان نیست و باید بین جرایم مختلف تفاوت قائل شد که به شرح ذیل به آنها اشاره می شود.

#### ۴۱۶- تعیین محل وقوع جرم در جرایم آنی

جرم آنی یا فوری جرمی است که در یک فاصله زمانی کوتاه اتفاق افتاده و به پایان می رسد. رسیدگی به جرم آنی در صلاحیت دادسرا و دادگاه محل وقوع جرم است با این وجود چون در برخی جرایم آنی تعیین محل وقوع جرم آسان نیست، رویه قضایی ناچار به مداخله شده است. مثلاً در جرم خیانت در امانت اگر مال در یک محل به امین سپرده شده باشد و محل تعدی و تفریط امین در حوزه قضایی دیگری باشد، محل اخیر صالح به رسیدگی خواهد بود. حال در همین جرم خیانت در امانت اگر محل تعدی و تفریط امین معلوم نباشد وفق رای وحدت رویه شماره ۵۴۷ هیات عمومی دیوان عالی کشور دادگاه محل اقامت شاکی صالح به رسیدگی خواهد بود. یا در جرم مزاحمت تلفنی طبق رای وحدت رویه شماره ۷۲۱ هیات عمومی دیوان عالی کشور دادگاه محل ایجاد مزاحمت (مقصد) که نتیجه در آن جا حادث شده صالح به رسیدگی خواهد بود.

به همین ترتیب در خصوص جرم کلاهبرداری رایانه ای در رای وحدت رویه شماره ۷۲۹ هیات عمومی دیوان عالی کشور آمده است «نظر به اینکه در صلاحیت محلی، اصل صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم است و این اصل نیز مستفاد از ماده ۲۹ قانون جرایم رایانه ای (مصوب ۱۳۸۸) مورد تایید قانونگذار قرار گرفته، بنابراین در جرم

کلاهبرداری مرتبط با رایانه، هرگاه تمهید مقدمات و نتیجه حاصل از آن در حوزه‌های قضایی مختلف صورت گرفته باشد، دادگاهی که بانک افتتاح‌کننده حساب زبان‌دیده از بزه که پول به طور متقلبانه از آن برداشت شده در حوزه آن قرار دارد، صالح به رسیدگی است.»

از دیگر موارد قابل اشاره در این مورد رای وحدت رویه شماره ۶۶۹ هیات عمومی دیوان عالی کشور است که در مورد بزه چک بلا محل صادر شده است. مطابق این رای « در رویه متداول سیستم یکپارچه بانکها، به دارنده چک اختیار داده شده است که علاوه بر شعبه افتتاح حساب، وجه آن را از سایر شعب نیز مطالبه نماید. بنابراین در صورت مراجعه دارنده چک در مهلت مقرر، به شعب دیگر و صدور گواهی عدم پرداخت از بانک مرجوع الیه، بزه صدور چک بلا محل محقق و دادگاه محل وقوع جرم صالح به رسیدگی خواهد بود.»

با توجه به این رای اگر دارنده چک وجه آن را به جای شعبه صادر کننده از شعبه دیگری مطالبه نماید و چک منتهی به صدور گواهی عدم پرداخت شود، حوزه قضایی اخیر که در آن گواهی عدم پرداخت صادر شده صالح به رسیدگی به بزه صدور چک بلا محل خواهد بود.

#### ۴۱۷- تعیین محل وقوع جرم در جرایم مستمر

جرم مستمر جرمی است که در طول زمان ادامه دارد و پی در پی تجدید حیات می‌کند. در جرایم مستمر کلیه دادگاههایی که جرم در حوزه آنها استمرار داشته صالح به رسیدگی هستند ولی رسیدگی با دادگاهی است که زودتر شروع به تعقیب کرده است، مثلاً در جرم حمل مواد مخدر اگر مواد مخدر از یک نقطه کشور به نقطه دیگری حمل شده باشد، کلیه شهرهایی که مواد مخدر از حوزه قضایی آنها عبور کرده است، صلاحیت رسیدگی خواهند داشت. از دیگر جرایم مستمر می‌توان به فرار از خدمت نظام وظیفه اشاره کرد.

ا.ح.ق. در نظریه شماره ۷/۴۸۷۱ - ۱۳۸۲/۷/۶ در خصوص این بزه اعلام نموده « جرم فرار از خدمت مستمر بوده و دادرسی محل دستگیری صالح به رسیدگی است» که ماده ۶۲۰ ق.آ.د.ک نیز همین حکم را مقرر داشته است.

#### ۴۱۸- تعیین محل وقوع جرم در جرایم ترک فعل

در جرایم ترک فعل، محل وقوع جرم جایی است که شخص مکلف به انجام فعل بوده است، مثلاً در جرم ترک انفاق، محل وقوع بزه، محل سکونت زوجه است یا در جرم عدم معرفی زندانی به زندان که فرار تلقی می‌شود، محل وقوع بزه، جایی است که زندان در آن جا قرار دارد هر چند زندانی در شهر دیگری دستگیر شده باشد.

#### ۴۱۹- دادگاه صالح در خصوص جرایم ارتكابی در خارج از کشور

ماده ۳۱۶ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ در این زمینه مقرر داشته « به اتهامات اشخاصی که در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم می‌شوند و مطابق قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آنها را دارند، چنانچه از اتباع ایران باشند، حسب مورد در دادگاه محل دستگیری و چنانچه از اتباع بیگانه باشند، حسب مورد در دادگاه تهران رسیدگی می‌شود.»

#### ۴۲۰- صلاحیت شخصی

این نوع از صلاحیت با توجه به مقام، شخصیت، موقعیت شغلی و سنی مرتکب جرم تعیین می‌شود. به سخن دیگر، گاهی صلاحیت مراجع کیفری به اعتبار سمت اداری، اجتماعی و یا وضعیت خاص شخص مرتکب تعیین و مشخص می‌شود که به آن صلاحیت شخصی می‌گویند.

در این رابطه می‌توان به دادگاه اطفال و نوجوانان در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان همچنین دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ تهران یا مرکز استان محل وقوع جرم در خصوص مقامات عالی‌تر نظام موضوع مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ ق.آ.د.ک. اشاره کرد که چون در مباحث آتی به طور مفصل به بحث دادگاه اطفال پرداخته خواهد شد، در این قسمت صرفاً به صلاحیت انحصاری دادگاه‌های پایتخت و مرکز استان اشاره می‌شود.

#### ۴۲۱- صلاحیت انحصاری دادگاه‌های پایتخت بر مبنای صلاحیت شخصی

ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک. رسیدگی به جرایم برخی از مقامات و مسوولین مملکتی را به لحاظ اهمیت شغل و جایگاه آنها منحصر در صلاحیت دادگاه‌های تهران قرار داده است که به شرح زیر به آنها اشاره می‌شود اما از قبل یادآوری می‌گردد که این ماده صرفاً از حیث صلاحیت شخصی است و در برخی موارد دیگر قانونگذار بر اساس نوع جرم از صلاحیت محلی عدول کرده و دادگاه محل دیگری را صالح دانسته که به آنها نیز به طور جداگانه اشاره می‌شود. طبق ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک. « رسیدگی به اتهامات رؤسای قوای سه‌گانه و معاونان و مشاوران آنان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرنگاران رهبری، وزیران و معاونان وزیران، دارندگان پایه قضایی، رئیس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران مراکز استان و جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محلهای سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل، مدیران کل اطلاعات استانها حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری تهران است، مگر آنکه رسیدگی به این جرایم به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد».

در خصوص این ماده نکات زیر قابل توجه است:

نخست آنکه صلاحیت دادگاه‌های پایتخت بر مبنای شخص مجرم منحصر به افراد مندرج در این ماده نیست. مثلاً مطابق ماده ۳ قانون تعیین حدود صلاحیت دادرها و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۵/۶ م.ت.م.ن. « کلیه جرایم نظامیان دارای درجه سرتیپی<sup>۱</sup> و بالاتر در مراجع قضایی ذی‌ربط در تهران رسیدگی می‌شود.» به علاوه تبصره ۲ ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک. مقرر داشته « رسیدگی به اتهامات افسران نظامی و انتظامی موضوع این ماده که در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح می‌باشد، حسب مورد در صلاحیت دادگاه نظامی یک یا دو تهران است. »

به همین ترتیب طبق تبصره ۳ ماده ۱۳ آیین نامه دادرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت « کلیه اتهامات اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزراء و معاونین آنها، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه، سفرا، دادستان و رئیس دیوان محاسبات، دارندگان پایه قضائی، استانداران و

۱- گفتنی است به موجب قانون تفسیر ماده (۳) قانون تعیین حدود صلاحیت دادرها و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۷۴/۶/۲ م.ت.م.ن. « کلیه نظامیان دارای درجه سرتیپ دومی که شاغل در محلهای سرلشکری و فرماندهی تیپ‌های مستقل هستند نیز مشمول ماده (۳) قانون تعیین حدود صلاحیت دادرها و دادگاه‌های نظامی کشور، مصوب ۱۳۷۳/۵/۶ م.ت.م.ن. می‌باشند»

فرمانداران و جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استانها به لحاظ روحانی بودن و نیز کلیه اتهامات نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و ائمه جمعه در دادرسی و دادگاه ویژه روحانیت تهران رسیدگی خواهد شد.»

دوم آن که با توجه به عبارت (مگر آنکه رسیدگی به این جرایم به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد) در این ماده، و با عنایت به تبصره ۳ ماده ۱۳ آیین نامه دادرسی و دادگاههای ویژه روحانیت اگر مرتکب موضوع این ماده روحانی باشد، رسیدگی به اتهام او در صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت تهران خواهد بود. سوم آن که شمول این ماده بر دارندگان پایه قضایی و افسران نظامی و انتظامی در صورتی است که حسب مورد، در قوه قضاییه یا نیروهای مسلح انجام وظیفه کنند.

چهارم آن که طبق تبصره ۲ ماده ۳۰۷ رسیدگی به اتهامات (خاص نظامی) افسران نظامی و انتظامی موضوع این ماده که در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح می‌باشد، حسب مورد در صلاحیت دادگاه نظامی یک یا دو تهران است.

پنجم آن که طبق ماده ۳۰۹ ق.آ.د.ک صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به جرایم اشخاص موضوع این ماده اعم از آن است که در زمان تصدی سمتهای مذکور یا قبل از آن مرتکب جرم شده باشند؛ پس اگر یکی از مقامات موضوع ماده ۳۰۷ قبل از تصدی شغل خود مرتکب جرمی شود که این جرم در زمان تصدی او کشف شود، باز هم مشمول این ماده خواهد بود.

ششم آن که با توجه به عبارت دادگاههای تهران در انتهای ماده ۳۰۷، این دادگاه ممکن است کیفری دو باشد یا کیفری یک، یا دادگاه انقلاب، پس در این مورد نوع جرم ارتكابی نیز ملاک است. هفتم آن که در مورد جرایم روسای سه قوه که در این ماده به آنها اشاره شده، باید به شرح ذیل قائل به تفکیک شد:

الف. چون مطابق اصل ۱۵۷ ق.ا. رئیس قوه قضاییه لزوماً باید مجتهد باشد، با توجه به تبصره ۳ ماده ۱۳ آیین نامه دادرسی و دادگاههای ویژه روحانیت به جرایم او در دادگاه ویژه روحانیت تهران رسیدگی می‌شود. ب. رسیدگی به جرایم رئیس مجلس شورای اسلامی اگر روحانی باشد با توجه به همان تبصره فوق الذکر در صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت تهران و چنانچه روحانی نباشد مطابق ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک، حسب مورد، در صلاحیت دادگاههای کیفری تهران است.

پ. در خصوص جرایم عادی رئیس جمهور اصل ۱۴۰ ق.ا. اصلاحی ۱۳۶۸ مقرر داشته «رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرایم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاههای عمومی دادگستری انجام می‌شود.

همچنین مطابق ماده ۱۹ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵/۸/۲۲ «رسیدگی به اتهامات مربوط به تخلفات در رابطه با وظایف و اختیارات رئیس جمهور در صلاحیت دیوان عالی کشور است. در جرایم عادی از طریق دادگاههای عمومی دادگستری تهران و با اطلاع

۱- مطابق این اصل «به منظور انجام مسؤولیت‌های قوه قضاییه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی، مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رییس قوه قضاییه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضاییه است.»

مجلس صورت می‌گیرد. در هر کدام از اتهامات نامبرده، رسیدگی مستقیماً به وسیله دادگاه انجام گرفته و دادسرا حق مداخله ندارد.

به این ترتیب و با توجه به ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲، رسیدگی به جرایم عمومی (عادی) رئیس جمهور غیر روحانی در صلاحیت دادگاههای کیفری تهران و رسیدگی به جرایم رییس جمهور روحانی با عنایت به تبصره ۳ ماده ۱۳ آیین نامه دادسراها و دادگاههای ویژه روحانیت با دادگاه ویژه روحانیت تهران است. هشتم آن که طبق ماده ۵۹۸ ق.آ.د.ک:

به اتهامات نظامیانی که در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند و مطابق قانون، دادگاه های ایران صلاحیت رسیدگی به آنها را داشته باشند، چنانچه از جرائمی باشد که در صلاحیت سازمان قضائی است، در دادسرا و دادگاه نظامی تهران رسیدگی می‌شود.

#### ۴۲۲- صلاحیت انحصاری دادگاههای پایتخت بر مبنای نوع جرم ارتكابی

همان گونه که در شماره قبل نیز اشاره شد، گاهی اوقات قانونگذار برخی از جرایم را نه به اعتبار شخص مرتکب، بلکه به اعتبار اهمیت خود جرم در صلاحیت دادگاههای پایتخت دانسته است که مهمترین موارد آن به شرح زیر است:

۱- به موجب بند ۸ ماده واحده قانون مجازات اخلال کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسائل و تأسیسات هواپیمایی مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۴ «رسیدگی به جرایم مندرج در این قانون منحصرأ در صلاحیت مراجع قضایی پایتخت (در حال حاضر انقلاب تهران) است».

۲- به موجب ماده ۵۹ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶/۸/۷ «رسیدگی به اختلافات ناشی از اجراء این قانون و آئین‌نامه اجرائی آن در صلاحیت شعبه یا شعب خاصی از دادگاه‌های عمومی (جزایی) تهران می‌باشد». هرچند به نظر می‌رسد واژه «اختلافات»، ناظر به دعوای حقوقی باشد اما ماده ۱۷۹ آیین‌نامه اجرائی این قانون مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۱ مقرر داشته «با توجه به ماده ۵۹ قانون، رسیدگی به دعوای حقوقی و کیفری مرتبط با قانون و این آیین‌نامه در صلاحیت شعبه یا شعب خاصی از دادگاه‌های عمومی تهران است که توسط رئیس قوه قضاییه تعیین و در صورت امکان در اداره کل مالکیت صنعتی مستقر می‌شوند. در مورد دعوای کیفری، چنانچه جرم از خارج از تهران واقع یا کشف و یا متهم در خارج از تهران دستگیر شده باشد، در این صورت تحقیقات مقدماتی در محل وقوع یا کشف جرم یا دستگیری متهم به عمل آمده و پرونده برای رسیدگی به دادگاه‌های مذکور در فوق ارجاع می‌شود».

۳- به موجب ماده ۱۱ قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۲ «شعبی از دادگاه‌های ... جزایی در تهران و در صورت نیاز در مراکز استان‌ها به امر رسیدگی به جرم پولشویی و جرایم مرتبط اختصاص می‌یابد. اختصاصی بودن شعبه مانع رسیدگی به سایر جرایم نمی‌باشد».

۱ - توضیح اینکه قانون مذکور به موجب قانون تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۹۲/۴/۴ به مدت یک سال دیگر (تا پایان ۱۳۹۴) تمدید شده است. نگاه کنید به روزنامه رسمی، سال هفتادم، شماره ۲۰۲۰۴، پنج شنبه ۲۶ تیر ۱۳۹۳.

۴- به موجب ماده ۳۴ قانون اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۲۶ «قوه قضائیه یکی از شعب موجود در هر حوزه قضائی را به منظور رسیدگی خارج از نوبت به تخلفات و جرائم انتخاباتی اختصاص می‌دهد. به تخلفات و جرائمی که به وسیله نامزدها صورت می‌گیرد، پس از برگزاری انتخابات، در شعبه رسیدگی به تخلفات و جرائم انتخاباتی در تهران رسیدگی می‌شود.

۵- مطابق ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۴ ماده ۶ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۲/۴/۲۴ «برای رسیدگی به گزارشات مذکور در ماده ۶ قانون، دادگاه با حضور سه قاضی تشکیل و رأی اکثریت مناط اعتبار است. رییس قوه قضائیه یکی از شعب دادگاه‌های... جزایی تهران را جهت رسیدگی به این امر اختصاص داده و نسبت به تعیین و صدور ابلاغ برای رییس و همچنین دادرسان مجرب استان به تعداد لازم جهت تکمیل ترکیب شعبه اقدام می‌کند».

### ۴۲۳- صلاحیت انحصاری دادگاههای مرکز استان محل وقوع بر مبنای صلاحیت شخصی

قانونگذار در ماده ۳۰۸ ق.آ.د.ک گروه دیگری از مقامات را مورد توجه قرار داده است، اما با توجه به این که این گروه نسبت به مقامات ماده قبل از اهمیت کمتری برخوردار هستند، رسیدگی به جرایم آنها را نه در صلاحیت دادگاههای تهران، بلکه در صلاحیت دادگاههای مرکز استان محل وقوع جرم دانسته است. مهمترین این موارد به شرح زیر است:

**الف-** مطابق ماده ۳۰۸ ق.آ.د.ک «رسیدگی به اتهامات مشاوران وزیران، بالاترین مقام سازمان‌ها، شرکتها و مؤسسه‌های دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی، مدیران کل، فرمانداران، مدیران مؤسسه‌ها، سازمان‌ها، ادارات دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی استان‌ها و شهرستان‌ها، رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، شهرداران مراکز شهرستان‌ها و بخشداران، حسب مورد، در صلاحیت دادگاههای کیفری مرکز استان محل وقوع جرم است، مگر آنکه رسیدگی به این اتهامات به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد».

در خصوص این ماده نیز نکات زیر قابل توجه است:

۱- اگر مرتکب جرم موضوع این ماده روحانی باشد، با توجه به بند الف ماده ۱۳ آیین نامه دادرها و دادگاههای ویژه روحانیت، رسیدگی به اتهام او در صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت خواهد بود.

۲- منظور از دادگاه کیفری مرکز استان محل وقوع، دادگاه صالح است که بر حسب نوع جرم ارتكابی مشخص می‌شود.

۳- طبق ماده ۳۰۹ ق.آ.د.ک صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به جرایم اشخاص موضوع این ماده اعم از آن است که در زمان تصدی سمتهای مذکور یا قبل از آن مرتکب جرم شده باشند؛ پس اگر یکی از مقامات موضوع ماده ۳۰۸ قبل از تصدی شغل خود مرتکب جرمی شود که این جرم در زمان تصدی او کشف شود، باز هم مشمول این ماده خواهد بود.

**ب-** مطابق تبصره ۲ ماده ۴۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ «به کلیه اتهامات رؤسا و اعضای شعب سازمان تعزیرات حکومتی که در مقام رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز مرتکب می‌شوند در دادرها و دادگاههای مرکز (استان) رسیدگی می‌شود».

**پ-** طبق ماده ۵۸۵ ق.آ.د.ک :



به جرائم نظامیان زیر در دادگاه و دادرسی نظامی مرکز استان محل وقوع جرم رسیدگی می‌شود:  
 الف - نظامیان دارای درجه سرهنگی که در محل سرتیپ دومی و بالاتر شاغل می‌باشند.  
 ب - نظامیان دارای درجه سرتیپ دومی در صورتی که مشمول مقررات ماده (۳۰۷) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نباشند.

### مبحث سوم: استثنائات وارد بر قاعده صلاحیت محلی

گفته شد که در ایران، اصل بر صلاحیت دادرسی و دادگاه محل وقوع جرم است. بر این اصل دو استثناء وارد می‌شود که عبارتند از صلاحیت اضافی و احاله.  
 در صلاحیت اضافی به دادگاهی که از لحاظ محلی صلاحیت رسیدگی دارد، صلاحیتی اضافه بر آن چه در حالت عادی داشته اعطاء می‌شود و این دادگاه می‌تواند به جرایم دیگری هم که در حوزه قضایی خودش واقع نشده رسیدگی کند. احاله درست برعکس صلاحیت اضافی است، یعنی در احاله پرونده از دادگاهی که به لحاظ محلی صلاحیت دارد گرفته می‌شود و به دادگاهی واگذار می‌شود که از لحاظ محلی صلاحیت ندارد که هر یک از موارد یاد شده را به طور جداگانه بررسی می‌کنیم.

#### ۴۲۴- صلاحیت اضافی

همان گونه که گفته شد در صلاحیت اضافی به دادگاهی که از لحاظ محلی صلاحیت رسیدگی دارد، صلاحیتی اضافه بر آن چه در حالت عادی داشته اعطاء می‌شود و این دادگاه می‌تواند به جرایم دیگری هم که در حوزه قضایی خودش واقع نشده رسیدگی کند که این موضوع از دو حالت خارج نیست یا اتهامات متعدد است یا متهمان متعددی.

#### ۴۲۵- تعدد اتهام

این حالت وضعیت شخصی است که مرتکب چند جرم شده است. در این فرض اگر همه ارتكابی در یک حوزه قضایی واقع شده باشند، بحث صلاحیت اضافی مطرح نخواهد شد؛ اما اگر جرایم ارتكابی در حوزه های قضایی مختلف اتفاق افتاده باشند، موضوع از مصادیق صلاحیت اضافی خواهد بود.  
 ماده ۳۱۳ ق.آ.د.ک. در این مورد مقرر داشته « به اتهامات متعدد متهم باید با رعایت صلاحیت ذاتی، توأمان و یکجا در دادگاهی رسیدگی شود که صلاحیت رسیدگی به جرم مهمتر را دارد ».  
 پس اگر اتهامات متهم در صلاحیت ذاتی دادگاههای مختلف باشد، به هر اتهام به طور جداگانه در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود. مثلاً اگر الف متهم باشد به ارتكاب یک فقره سرقت تعزیری ساده و یک فقره حمل مواد مخدر و یک فقره فرار از خدمت وظیفه، به اتهامات او به طور جداگانه در دادگاههای کیفری دو، انقلاب و نظامی رسیدگی می‌شود. در این فرض اگر مجازات جرایم ارتكابی متفاوت باشد ترتیب رسیدگی به حکم ماده ۳۱۴ ق.آ.د.ک. با توجه به اهمیت اتهام (بر پایه نوع، کیفیت و میزان مجازات) تعیین می‌شود. اما اگر مجازات جرایم یکسان باشد متهم حسب مورد به ترتیب در دادگاههای انقلاب، نظامی و کیفری یک یا کیفری دو محاکمه می‌شود. مطابق این ماده «هر کس متهم به ارتكاب جرایم متعدد باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و دو و بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه انقلاب یا نظامی باشد، متهم ابتداء در دادگاهی که

صلاحیت رسیدگی به مهمترین اتهام را دارد، محاکمه می‌شود و پس از آن برای رسیدگی به اتهام دیگر به دادگاه مربوط اعزام می‌شود. در صورتیکه اتهامات از حیث مجازات مساوی باشد، متهم حسب مورد، به ترتیب در دادگاه انقلاب، نظامی، کیفری یک یا کیفری دو محاکمه می‌شود.

حال اگر همه اتهامات در صلاحیت ذاتی یک دادگاه باشند، تعیین مرجع صالح با توجه به ماده ۳۱۰ ق.آ.د.ک انجام می‌شود. ماده ۳۱۰ ق.آ.د.ک در این مورد مقرر داشته است «...اگر شخصی مرتکب چند جرم در حوزه‌های قضایی مختلف گردد، رسیدگی در دادگاهی صورت می‌گیرد که مهمترین جرم در حوزه آن واقع شده باشد. چنانچه جرایم ارتكابی از حیث مجازات مساوی باشد، دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شود، به همه آنها رسیدگی می‌کند. در صورتی که متهم دستگیر نشده باشد، دادگاهی که ابتداء تعقیب در حوزه آن شروع شده است، صلاحیت رسیدگی به تمام جرایم را دارد». با توجه به این ماده اگر همه جرایم ارتكابی متهم در صلاحیت ذاتی یک دادگاه باشند، یکی از فروض زیر متصور خواهد بود:

الف. جرایم ارتكابی از حیث مجازات یکسان نیستند.

در این فرض دادگاه محل وقوع مهمترین جرم صلاحیت رسیدگی به تمامی جرایم را دارد. جرم مهمتر، جرمی است که مجازات آن بیشتر باشد. مثلاً اگر الف در تهران مرتکب کلاهبرداری و در کرج مرتکب سرقت تعزیری ساده و در قزوین مرتکب خیانت در امانت شود، دادگاه تهران صلاحیت رسیدگی به هر سه اتهام را خواهد داشت. بلافاصله اضافه می‌شود که طبق تبصره ۱ ماده ۳۱۴ ق.آ.د.ک «هرگاه شخصی متهم به ارتكاب جرایم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و رسیدگی به بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه کیفری دو و یا اطفال و نوجوانان است، به تمام جرایم او در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود».

ب. جرایم ارتكابی از حیث مجازات یکسان هستند و متهم نیز دستگیر شده است.

در این فرض دادگاه محل دستگیری صلاحیت رسیدگی به تمامی جرایم را دارد هرچند که متهم هیچ جرمی را در آن محل مرتکب نشده باشد.

پ. جرایم ارتكابی از حیث مجازات یکسان هستند و متهم دستگیر نشده است.

در این فرض دادگاهی که زودتر شروع به رسیدگی کرده، صلاحیت رسیدگی به تمامی جرایم را دارد.

#### ۴۲۶- تعدد متهم

این فرض ناظر است به شرکت و معاونت در جرم. یعنی حالتی که چند نفر با مشارکت یا معاونت یکدیگر مرتکب جرمی می‌شوند. در این حالت اصل بر این است که شرکاء و معاونان جرم در همان دادگاه متهم اصلی محاکمه می‌شوند.

ماده ۳۱۱ ق.آ.د.ک در این مورد مقرر می‌دارد «شرکا و معاونان جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام متهم اصلی را دارد مگر اینکه در قوانین خاص ترتیب دیگری مقرر شده باشد».

همان گونه که خود ماده ۳۱۱ نیز تصریح می‌کند، در محاکمه شرکا و معاونین اصل بر صلاحیت دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اتهام متهم اصلی را دارد، مثلاً اگر الف با معاونت ب در تهران مرتکب کلاهبرداری شده و در کرج به اتهام کلاهبرداری دیگری دستگیر شود، چون رسیدگی به اتهامات الف (مباشر) در صلاحیت دادگاه کرج است، رسیدگی به اتهام معاون نیز در دادگاه کرج خواهد بود.

**۴۲۷- استثنائات وارد بر اصل**

همان گونه که در شماره قبل نیز ذکر شد قسمت آخر ماده ۳۱۱ ق.آ.د.ک مقرر می‌دارد که «مواردی که به موجب قوانین خاص ترتیب دیگری مقرر شده باشد، از شمول ماده ۳۱۱ خارج است» که هریک از این استثنائات را بطور جداگانه بررسی می‌کنیم.

**۴۲۸- جرمی که منوط به فعل دو نفر است**

در این خصوص تبصره ماده ۳۱۲ ق.آ.د.ک مقرر داشته است «در جرایمی که تحقق آن منوط به فعل دو یا چند نفر است، در صورتی که رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان باشد، رسیدگی به اتهام کلیه متهمان در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید. در این صورت اصول حاکم بر رسیدگی به جرایم اشخاص بالاتر از هجده سال تابع قواعد عمومی است».

هر چند که این ماده اختصاص به صلاحیت دادگاه اطفال دارد، اما حکمی که در این ماده بیان می‌شود کلی بوده و اختصاص به دادگاه اطفال ندارد یعنی جرمی که منوط به فعل دو نفر باشد، مثل زنا یا لواط، جرم واحد تلقی می‌شود و اگر رسیدگی به اتهام یکی از دوفنر در صلاحیت دادگاه بالاتر باشد، رسیدگی به اتهام نفر دوم هم در صلاحیت همان دادگاه خواهد بود. هیات عمومی دیوان عالی کشور در همین راستا در رای وحدت رویه شماره ۵۴۹ - ۱۳۶۹/۱۲/۲۱ اشعار داشته است: «جرمی که تحقق آن منوط به فعل دو نفر باشد جرم واحد است و چنانچه رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت یک دادگاه (کیفری یک) باشد، رسیدگی به اتهام متهم دیگر هم بالمالزمه، در صلاحیت دادگاه مزبور خواهد بود». مثلاً اگر آقای الف که دارای شرایط احصان است با خانم ب که شرایط احصان را ندارد مرتکب جرم زنا شوند، چون رسیدگی به جرم آقای الف در صلاحیت دادگاه کیفری یک است، رسیدگی به جرم خانم ب نیز در صلاحیت دادگاه کیفری یک خواهد بود.

**۴۲۹- معاونت یا مشارکت با مقامات در ارتکاب جرم**

در این خصوص نیز قانونگذار در تبصره ماده ۳۱۱ مقرر داشته است «هرگاه دو یا چند نفر متهم به مشارکت یا معاونت در ارتکاب جرم باشند و یکی از آنان جزء مقامات مذکور در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون باشد، به اتهام همه آنان، حسب مورد، در دادگاههای کیفری تهران و یا مراکز استان رسیدگی می‌شود و چنانچه افراد مذکور در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون در ارتکاب یک جرم مشارکت یا معاونت نمایند به اتهام افراد مذکور در ماده (۳۰۸) نیز حسب مورد در دادگاه کیفری تهران رسیدگی می‌شود. بدین ترتیب صرف مشارکت یا معاونت با یکی از مقامات مذکور در مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ باعث محاکمه تمامی مرتکبین در دادگاههای تهران یا مرکز استان می‌شود».

**۴۳۰- مشارکت یا معاونت با شخص روحانی در ارتکاب جرم**

به موجب ماده ۳۱ آیین نامه دادرسی و دادگاههای ویژه روحانیت اصلاحی ۱۳۸۴/۹/۵ «اتهامات شرکاء، معاونین و مرتبیین متهم روحانی در دادرسی و دادگاه ویژه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت». بنابراین اگر یک فرد عادی با یک شخص روحانی در ارتکاب جرم، معاونت یا مشارکت نماید، به اتهامات همه آنها در دادرسی و دادگاه ویژه روحانیت رسیدگی خواهد شد.

### ۴۳۱- معاونت یا مشارکت با نظامیان در جرایم جاسوسی

به موجب تبصره های ماده ۲۴ ق.م.ج.ن.م. مصوب ۱۳۸۲ «هرکس در جرایم جاسوسی با نظامیان مشارکت نماید به تبع مجرمان اصلی نظامی در دادگاه‌های نظامی محاکمه و به همان مجازاتی که برای نظامیان مقرر است محکوم می‌شود. همچنین معاونت در امر جاسوسی و یا مخفی نمودن و پناه دادن به جاسوس، جرم محسوب و مرتکب به تبع مجرمان اصلی نظامی در دادگاه‌های نظامی محاکمه می‌شود».

لازم به ذکر است چون در ماده ۵۶۸ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ مقرر شده «مواردی که مقررات ویژه‌ای برای دادرسی ... نیروهای مسلح مقرر نگردیده تابع مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری است» لذا در حال حاضر علاوه بر جرم جاسوسی، اگر یک غیر نظامی با یک نظامی در ارتکاب هر جرمی اعم از جرم عادی یا جرم خاص نظامی معاونت یا مشارکت کند، به حکم ماده ۳۱۱ ق.آ.د.ک. در دادگاهی محاکمه می‌شود که صلاحیت رسیدگی به اتهام متهم اصلی را دارد. همین حکم در مورد یک نظامی نیز که با یک غیر نظامی در ارتکاب جرمی معاونت یا مشارکت کند، جاری است.

### ۴۳۲- احاله

احاله مشتق از حواله و در لغت به معنی انتقال دادن شیء یا موضوعی از محلی به محل دیگر است و همانگونه که گفته شد احاله وقتی محقق می‌شود که دعوای کیفری از مرجع قضایی که صلاحیت محلی دارد به مرجع دیگری که صلاحیت محلی ندارد، منتقل شود. فلسفه پذیرش احاله را می‌توان این‌گونه گفت که در پاره‌ای موارد، با توجه به اوضاع و احوال خاص حاکم بر پرونده، دادگاهی که جرم در حوزه آن واقع نشده و در نتیجه صلاحیت محلی رسیدگی به آن را ندارد به دلایلی که مقنن مشخص نموده بهتر می‌تواند به آن جرم رسیدگی نماید.

### ۴۳۳- اصول کلی حاکم بر احاله

- ۱- احاله نوعی تغییر صلاحیت محلی است و صلاحیت ذاتی را جز به حکم قانون نمی‌توان تغییر داد.
- ۲- موارد احاله را فقط قانون مشخص می‌کند و مقامات مندرج در قانون از قبیل رییس قوه قضاییه یا دادستان کل فقط می‌توانند تقاضای احاله داشته باشند و یا نظر موافق و مخالف خود را اعلام کنند، اما تعیین موارد احاله منحصر با قانونگذار است.
- ۳- طبق تبصره ماده ۴۱۹ ق.آ.د.ک «احاله پرونده نباید به کیفیتی باشد که موجب عسر و حرج شاکی و یا مدعی خصوصی شود».
- ۴- تصمیم در خصوص احاله پرونده با صدور قرار اتخاذ می‌شود یعنی پرونده با قرار احاله از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر فرستاده می‌شود.

### ۴۳۴- موارد احاله

همان گونه که گفته شد موارد احاله را فقط و فقط قانون معین می‌کند. در قانون آیین دادرسی کیفری ماده ۴۱۹ موارد احاله را به شرح زیر مشخص کرده است:

الف. متهم یا بیشتر متهمان در حوزه دادگاه دیگری اقامت داشته باشند.

ب. محل وقوع جرم از دادگاه صالح دور باشد، به نحوی که دادگاه دیگر به علت نزدیک بودن به محل وقوع آن، آسان تر بتواند به موضوع رسیدگی کند. همچنین طبق ماده ۴۲۰ ق.آ.د.ک «علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل، به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی، بنا به پیشنهاد رئیس قوه قضاییه یا دادستان کل کشور و تجویز دیوان عالی کشور، رسیدگی به حوزه قضایی دیگر احاله می‌شود».

#### ۴۳۵- تشریفات احاله

قانون در خصوص احاله پرونده از حوزه قضایی یک استان به حوزه قضایی دیگر در همان استان با احاله پرونده از یک استان به استان دیگر تفاوت قائل شده است که هریک را به طور جداگانه بررسی می‌کنیم.

الف. احاله پرونده در یک استان

طبق قسمت نخست ماده ۴۱۸ ق.آ.د.ک احاله پرونده از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر در همان استان منوط است به تقاضای دادستان یا رییس حوزه قضایی مبداء و موافقت شعبه اول دادگاه تجدیدنظر همان استان.

ب. طبق قسمت دوم ماده ۴۱۸ ق.آ.د.ک احاله پرونده از حوزه قضایی یک استان به حوزه قضایی استان دیگر منوط است به تقاضای دادستان یا رییس حوزه قضایی مبداء و موافقت دیوان عالی کشور.

#### ۴۳۶- احاله در دادسرا و دادگاه نظامی

موارد احاله در سازمان قضایی نیروهای مسلح، همان موارد مندرج در مواد ۴۱۹ و ۴۲۰ ق.آ.د.ک است زیرا طبق ماده ۵۶۸ ق.آ.د.ک در هر موردی که در خصوص نیروهای مسلح، مقررات ویژه ای وضع نگردیده مقررات عمومی قانون آیین دادرسی کیفری حاکم است و چون در این خصوص مقررات خاصی در قوانین مربوط به نیروهای مسلح پیش بینی نگردیده، لذا همان موارد عمومی احاله در این مورد نیز حاکم است.

همچنین علاوه بر موارد یاد شده طبق تبصره ماده ۴۲۰ ق.آ.د.ک در جرایم داخل در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح، رئیس این سازمان میتواند به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی و رعایت مصالح نیروهای مسلح، پرونده را به حوزه قضایی دیگر احاله کند. در خصوص تشریفات احاله نیز طبق تبصره ماده ۴۱۸ ق.آ.د.ک «...در مورد جرایم در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح، احاله حسب مورد به درخواست دادستان نظامی یا رییس سازمان قضایی استان با موافقت رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح انجام می‌شود».

#### ۴۳۷- احاله در دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت

ماده ۳۰ آیین نامه دادسراها و دادگاههای ویژه روحانیت اصلاحی ۱۳۸۴ در این خصوص مقرر داشته است «احاله پرونده از حوزه ای به حوزه قضائی دیگر در اختیار دادستان منصوب (دادستان ویژه روحانیت) خواهد بود».

#### مبحث چهارم: اختلاف در صلاحیت و چگونگی حل آن

با توجه به این که تعیین صلاحیت یا عدم صلاحیت هر مرجعی با خود آن مرجع است، ممکن است در آن واحد دو مرجع خود را صالح به رسیدگی بدانند (اختلاف مثبت) یا از خود نفی صلاحیت کنند (اختلاف منفی) که در این حالت گفته می‌شود اختلاف در صلاحیت یا تعارض در صلاحیت پیش آمده است.